

## جایگاه حضرت مسیح علیه السلام در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام

در قرآن و احادیث مربوط به امام عصر علیه السلام از حضرت عیسی بن مریم به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است که در زمان ظهور آن حضرت، از آسمان فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت قرار می‌گیرد و در نماز جماعت به ایشان اقتداء کرده و معاونت ایشان را بر عهده دارد.

روشن است به حکم این که آیین حضرت عیسی علیه السلام مربوط به گذشته بوده، وظیفه دارد در این زمان از آیین موجود یعنی آیین اسلام که حضرت مهدی علیه السلام در راه جهانی سازی آن انقلاب می‌کنند، پیروی کند؛ بنابراین رهبر انقلاب جامعه اسلام، حضرت مهدی علیه السلام است و عیسی بن مریم علیه السلام، این پیامبر اولوالعزم الهی در رکاب آن حضرت در راه جهانی سازی اسلامی و ارزش‌های قرآنی ایشان را یاری می‌نماید.

یکی از عوامل تاثیرگذار در پیشرفت انقلاب جهانی مهدوی و برقراری حاکمیت اسلامی در سراسر جهان، حضور این پیامبر الهی در کنار مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

مسیحیان جهان با لطف الهی از هر طریقی که باشد، شاید از راه دیدن تصویر و شنیدن سخنان دلنشین حضرت مسیح علیه السلام با استفاده از ماهواره و اینترنت و رسانه‌های گروهی در عصر انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات، به خوبی ایشان را بشناسند و پیام ایشان را در ضرورت پیروی از حضرت مهدی علیه السلام و مشارکت در انقلاب جهانی آن حضرت بشوند و به ایشان روی آورند و از این راه سریعتر، اسلام در سراسر جهان گسترش یابد.

در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام پیرامون انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام ارتباط و همکاری «مهدی» و «عیسی» به روشنی بیان شده و در بین مسلمانان رواج یافته است.

پیش از تحریف حقایق، در انجیل واقعی حضرت عیسی بن مریم علیها السلام مطالبی درباره‌ی دین اسلام و قرآن و بعث پیامبر صلی الله علیه و آله و ترفیع سماوی و هبوط در آخر الزمان و کمک امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نماز گزاردن با آنان وجود داشته است.

روزی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خوشحال بود و می‌خندید، اصحاب دلیل آن را پرسیدند، فرمود: شب و روزی نیست مگر این که برای من در آن تحفه‌ایی از جانب خداوند است؛ امروز خداوند تحفه‌ایی به من عطا کرد که نظیر آن را تا به حال به من نداده بود، جبرئیل آمد و از جانب خدا به من سلام زرساند و گفت: «و منکم القائم یصلی عیسی بن مریم خلفه اذا اهبطه الی الارض من ذریه علی و فاطمه و من والد الحسین»: «از شما است قائم که از ذریه علی و فاطمه است و از فرزندان حسین است و عیسی بن مریم علیها السلام پشت او نماز می‌گذارد هنگامی که خدا او را به زمین فرود می‌آورد.»

در کتاب «کشف الغمه فی الائمة» چهل حدیث نبوی از کتاب «ابو نعیم احمد بن عبدالله» در موضوع مهدویت آورده است، حدیث سی و نهم از «جابر بن عبدالله انصاری» است که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره‌ی گفتگوی مهدی علیه السلام و عیسی علیه السلام چنین آورده است: «لا تزال طائفة من امتی یقتالون علی الحق ظاهرین الی یوم القیامه ینزل عیسی بن مریم علیه السلام فیقول امیرهم المهدی»: «تعال صل بنا فیقول: «لا ان بعضکم علی بعض امراء تکرمه من الله عزوجل لهذه الامه» «گروهی از امتم بر اساس حق تا روز قیامت پیکار پیروز و آشکار دارند، عیسی

بن مریم علیها السلام فرود می‌آید. مهدی علیه السلام می‌گوید: بیا و برایمان نماز بگزار! می‌گوید: خیر! به درستی که بعضی از شما به پاس گرامی داشت این امت بر دیگران امیران هستید.

در این حدیث که اهل سنت و شیعه هر دو نقل کرده‌اند، گفتگوی حضرت مهدی علیه السلام فرمانده و رهبر گروهی که در انقلاب جهانی و جاودان حضرت مهدی علیه السلام تا روز قیامت بر اساس حق نبرد می‌کنند، با عیسی بن مریم علیه السلام که از آسمان فرود می‌آید، گزارش می‌شود. همچنین احترام حضرت مهدی علیه السلام نسبت به حضرت عیسی و سپس احترام حضرت عیسی علیه السلام نسبت به فرمانده گروه حق و رهبر انقلاب اسلامی، بیان می‌شود. مطابق این حدیث حضرت عیسی علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را بر خود مقدم می‌دارد و به ایشان اقتدا می‌کند و از رهبر مسلمانان پیروی می‌کند و در انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی، ایشان را یاری می‌نماید.

برگرفته از سایت راسخون - نویسنده: حسین افشار

www.aftabemehr.ir

## ندای توحید در گاهواره

... سرانجام مریم در حالی که کودکش را در آغوش داشت از بیابان به آبادی بازگشت و به سراغ بستگان و اقوام خود آمد (فاتت به قومها تحمله)

هنگامی که آن‌ها کودکی نوزاد را در آغوش او دیدند، دهانشان از تعجب باز ماند، آن‌ها که سابقه پاکدامنی مریم را داشتند و آوازه تقوا و کرامت او را شنیده بودند سخت نگران شدند، تا آن‌جا که بعضی به شک و تردید افتادند، و بعضی دیگر هم که در قضاوت و داوری، عجز بودند زبان به ملامت و سرزنش او گشودند، و گفتند: حیف از آن سابقه درخشان، با این آلودگی! و صد حیف از آن دودمان پاکی که این گونه بدنام شد.

گفتند: ای مریم! تو مسلماً کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! (قالوا یا مریم لقد جئت شیئا فریا). بعضی به او رو کردند و گفتند ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت (یا اخت هارون ما کان ابوک امرء سوء و ما کانت امک بغیا).

در این هنگام، مریم به فرمان خدا سکوت کرد، تنها کاری که انجام داد این بود که اشاره به نوزادش عیسی کرد (فاشارت الیه).

اما این کار بیشتر تعجب آن‌ها را برانگیخت و شاید جمعی آن را حمل بر سخره کردند و خشمناک شدند گفتند: مریم با چنین کاری که انجام داده‌ای قوم خود را مسخره نیز می‌کنی.

به هر حال به او گفتند ما چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم؟! (قالوا کیف نکلّم من کان فی المهد صبیا).

ولی این حالت چندان به طول نینجامید، چرا که آن کودک نوزاد زبان به سخن گشود و گفت: من بنده خدایم (قال انی عبد الله)

او کتاب آسمانی به من مرحمت کرده (آتانی الکتاب).

و مرا پیامبر قرار داده است (و جعلنی نبیا).

و خداوند مرا وجودی پر برکت (وجودی مفید از هر نظر برای بندگان) در هر جا باشم قرار داده است (و جعلنی مبارکاً اینما کنت).

و مرا تا زنده‌ام توصیه به نماز و زکات کرده است (و اوصانی بالصلوة و الزکاة ما دمت حیا).

و نیز مرا نیکوکار و قدردان و خیرخواه، نسبت به مادرم قرار داده است (و برا بوالدتی).

و مرا جبار و شقی قرار نداده است (و لم یجعلنی جباراً شقیاً).

و سرانجام این نوزاد (حضرت مسیح) می‌گوید: سلام و درود خدا بر من باد آن روز که متولد شدم، و آن روز که می‌میرم،

و آن روز که زنده برانگیخته می‌شوم (و السلام علی یوم ولدت یوم اموت و یوم ابعث حیا).

برگرفته از تفسیر نمونه، جلد ۱۳، تالیف: زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی

## داستان مسیح علیه السلام

نام مادر مسیح، مریم دختر عمران بود. مادر مریم، وقتی او را حامله شد، نذر کرد فرزند در شکم خود را، بعد از به دنیا آمدن خادم مسجد (محرر) کند، و او در حالی این نذر را می‌کرد که می‌پنداشت فرزندش پسر خواهد بود. ولی وقتی که او به دنیا آمد و فهمید که او دختر است، اندوهناک شد و حسرت خورد. نامش را «مریم» یعنی خادمه نهاد. پدر مریم قبل از ولادت او از دنیا رفته بود، به ناچار خود او دخترش را در آغوش گرفته به مسجد آورد و او را به کاهنان مسجد که یکی از آنان زکریا بود تحویل داد. کاهنان درباره کفالت مریم با هم مشاجره کردند و در آخر به این رضایت دادند که در این باره قرعه بیندازند و چون قرعه انداختند زکریا برنده شد و او عهده‌دار سرپرستی مریم گشت تا وقتی که مریم به حد بلوغ رسید، در آن اوان، زکریا حجابی بین مریم و کاهنان برقرار نمود و مریم در داخل آن حجاب مشغول عبادت بود...

مریم علیها السلام صدیقه و به عصمت خدا معصوم بود، طاهره بود، برگزیده شده و محدث و مرتبط با ملائکه بود. مریم یکی از آیات خدا برای همه عالمیان بود. ملکی از ملائکه به او گفت که خدا تو را برگزیده و تطهیر کرده ...<sup>۱</sup> بعد از آن که مریم علیها السلام به حد بلوغ رسید و در حجاب محراب قرار گرفت، خدای تعالی روح را (که یکی از فرشتگان بزرگ خدا است) نزد او فرستاد و روح به شکل بشری تمام عیار در برابر مریم مجسم شد و به او گفت که فرستاده‌ای است از نزد معبودش، و پروردگار وی را فرستاده تا به اذن او پسری به وی بدهد، پسری بدون پدر، و او را بشارت داد به این که به زودی از پسرش معجزات عجیبی ظهور می‌کند و خداوند به زودی او را با روح القدس تأیید نموده، و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد و او را به عنوان رسولی به سوی بنی اسرائیل می‌فرستد.<sup>۲</sup> عیسی علیه السلام در اوان جوانی به رسالت به سوی بنی اسرائیل مبعوث گردید و مأمور شد تا ایشان را به سوی دین توحید بخواند و بگوید که من با معجزه‌ای از ناحیه پروردگارتان به سوی شما آمده‌ام. آن معجزه این است که برای شما (و پیش رویتان) از گل چیزی به شکل مرغ می‌سازم و سپس در آن می‌دمم، به اذن خدا مرغ زنده‌ای می‌شود. من کور مادرزاد و بیمار برصی غیر قابل علاج را شفا می‌دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم و از آنچه می‌خورید و از آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید به شما خبر می‌دهم، در این برای شما آیتی است بر اینکه خدا رب من و رب شما است و باید او را بپرستید.

عیسی علیه السلام مردم را به شریعت جدید خود که همان تصدیق شریعت موسی علیه السلام است دعوت می‌کرد، چیزی که هست بعضی از احکام موسی علیه السلام را نسخ نمود<sup>۳</sup> و بارها می‌فرمود: من با حکمت به سوی شما فرستاده شده‌ام، تا آنچه را مورد اختلاف شماست برایتان بیان کنم و نیز می‌فرمود: ای بنی اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما، در حالی که تورات را که کتاب آسمانی قبل از من بوده تصدیق دارم و در حالی که بشارت می‌دهم به رسولی که بعد از من می‌آید و نامش «احمد» است.

۱. این‌ها صفاتی است برای مریم که آیات زیر بیانگر آن است: آل عمران، آیات ۳۵ - ۴۴\_ انبیا، آیه ۹۱\_ تحریم، آیه ۱۲

۲. این مطالب از آیات زیر استفاده می‌شود: آل عمران، آیات ۳۵ - ۴۴

۳. آن احکام حرمت پاره‌ای از چیزها است که در تورات به منظور سختگیری و توبیخ بر یهود حرام شده بود.

عیسی علیه السلام هم چنان بنی اسرائیل را به توحید خدا و شریعت جدید دعوت می‌کرد تا وقتی که از ایمان آوردنشان مأیوس شد و وقتی طغیان و عناد مردم را دید و استکبار کاهنان و احبار یهود از پذیرفتن دعوتش را مشاهده کرد، از میان عده کمی که به وی ایمان آورده بودند چند نفر «حواری» انتخاب کرد تا او را در راه خدا یاری کنند. از سوی دیگر یهود بر مسیح علیه السلام شورید و تصمیم گرفت او را به قتل برساند، ولی پروردگار او را از دست یهود نجات داد و به سوی خود بالا برد اما مسأله مسیح علیه السلام برای یهود مشتبه شد، بعضی خیال کردند که او را کشته‌اند، بعضی دیگر پنداشتند که او را به دار آویخته‌اند، ولی خداوند فرمود: نه آن بود و نه این، بلکه امر بر آنان مشتبه شد.<sup>۱</sup>

و این‌ها همه بخشی از آن چیزی است که قرآن کریم در داستان مسیح علیه السلام و مادرش مریم علیها السلام فرموده است...

برگرفته از تفسیر المیزان، تألیف علامه طباطبایی (ره)، (با اندکی تصرف)

۱. این مطالب از آیات زیر استفاده می‌شود: آل عمران، آیات ۴۵ - ۵۸ \_ زخرف، آیات ۶۳ - ۶۵ \_ صف، آیات ۶ - ۱۴\_ مائده، آیات ۱۱۰ - ۱۱۱ \_ نساء، آیات ۱۵۷

## قرآن و انجیل

قرآن تاکید می‌کند که عیسی پیام‌آوری از جانب خدا است و انجیل در ردیف کتب تورات، زبور و قرآن است. لذا از مسلمانان می‌خواهد که به کتاب‌هایی که خدا به موسی و داود و عیسی و سایر انبیا فرو فرستاده، ایمان داشته باشند. بی شک قرآن، انجیل را از کتب الهی می‌داند و در آیات متعددی از قرآن کریم، از انجیل به عنوان کتابی آسمانی سخن رفته است و پذیرش حقانیت آن از سوی مسلمانان از شروط ایمان دانسته شده است. لذا تورات و انجیل نزد مسلمانان تقدس و حرمت فراوان دارد و در برخی ادعیه به آن سوگند یاد شده است.<sup>۱</sup>

قرآن در یکی از توصیفاتش از انجیل چنین بیان می‌کند:

«و به دنبال آن‌ها (پیامبران پیشین)، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود، تصدیق داشت و انجیل را به او دادیم که در آن، هدایت و نور بود و (این کتاب آسمانی نیز) تورات را، که قبل از آن بود، تصدیق می‌کرد و هدایت و موعظه‌ای برای پرهیزکاران بود.»<sup>۲</sup>

بر این اساس مشاهده می‌کنیم که قرآن کریم انجیل را در بردارنده‌ی «هدایت»، «نور» و «موعظی برای اهل تقوا» دانسته است.

اما تاریخ مسیحیت نشان می‌دهد که مسیحیان به انجیلی واحد که همه‌ی الفاظ آن برگرفته از وحی باشد باور ندارند<sup>۳</sup> و نزد آن‌ها انجیل چهارگانه در آغاز عهد جدید معتبر است. لذا این پرسش همواره مطرح بوده که مراد قرآن کریم، عمل به کدام انجیل است؟

حقیقت این است که مسیحیان، این انجیل را نوشته‌ی انسان‌ها می‌دانند، هرچند که بر اساس معیارهای کلامی خویش به آن ارزش الهی می‌دهند. آنان معتقدند که این کتاب پس از حضرت عیسی و برای بیان رسالت وی تنظیم شده است.<sup>۴</sup> بنابراین، بر خلاف باور قرآن کریم، هرگز به ذهن یک مسیحی خطور نمی‌کند که مسیح دارای کتابی بوده است و این مسئله برای مسیحیان گوئی موضوعی بدیهی است. این نکته را نیز باید مد نظر داشت که در تمام چهار انجیل، یک سطر عبارت منسوب به وحی وجود ندارد. با این وجود، برخی مسیحیان معتقدند که انجیل با الهام الهی نگارش یافته، ولی برای این ادعا دلیلی ذکر نمی‌کنند.<sup>۵</sup>

انجیل چهارگانه‌ای که امروزه اصطلاحاً از آن‌ها به عنوان انجیل رسمی یا مشروع یاد می‌شود، چهار کتاب از انجیل‌های متعددی است که در دو قرن آغازین میلادی در بین مسیحیان نخستین مورد استفاده بوده است. امروزه سخن راندن از

۱. مثلاً در دعای اعمال شب عرفه که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، می‌خوانیم: «و بحق تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم ...» (مفاتیح الجنان، ذیل اعمال شب عرفه)

۲. سوره مائده، آیه ۴۶. علاوه بر این، در قرآن کریم توصیفات دیگری هم از انجیل وجود دارد، به عنوان نمونه می‌توانید به سوره آل عمران، آیه ۴۳ و سوره حدید، آیه ۲۷ مراجعه نمایید.

۳. به عنوان مثال فیلیسین شاله محقق فرانسوی می‌گوید: «در هر صورت این‌ها (انجیل‌ها)، از ساخته‌های بشری‌اند و ممکن نیست آن‌ها را کلام خدا دانست.» (تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایار محبی، صفحه ۴۱۱ - بنیادهای مسیحیت، تألیف: کارل کائوتسکی، ترجمه عباس میلانی، صفحه ۳۳)

۴. یعنی در اسلام پیامبر مبین قرآن است، ولی در مسیحیت انجیل مبین عیسی علیه السلام هستند. (آشنایی با ادیان بزرگ، صفحه ۱۳۷) یعنی در اسلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جملات قرآن را برای فهم مردم توضیح می‌دهد و بیان‌کننده‌ی مفاهیم عمیق قرآن می‌باشد، اما در مسیحیت، انجیل بیان‌کننده‌ی زندگی حضرت عیسی و سخنان ایشان است.

۵. کلام مسیحی، تألیف: توماس میشل، صفحه ۵۱ - ۴۳

همه‌ی انجیل‌های رایج آن دوره چندان مورد پسند کلیسا، مخصوصاً کلیسای کاتولیک، نیست؛ اما در بعضی رسایل الحاقی عهد جدید اشاره‌ای به وجود چنین انجیلی شده است.<sup>۱</sup>

با این‌که نسخه‌های خطی حدوداً ۱۶۰۰ ساله از عهد جدید فعلی در کتاب خانه‌ها و موزه‌های مهم جهان نگهداری می‌شوند، اما نمی‌توان گفت که منظور قرآن از انجیل، کدام کتاب است زیرا همانطور که گفته شد بین انجیلی که مسلمانان و مسیحیان به آن اعتقاد دارند، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.

اما به اعتقاد مسلمانان، تا روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برخی از روحانیان حقیقت‌جوی مسیحی، نسخه‌هایی از انجیل دیگری را در دست داشتند و مدلول آیات قرآنی نیز ناظر بر همین انجیل راستین بوده است.<sup>۲</sup> لذا در قرآن و در جاهای دیگر، بارها مسیحیان به ایمان و عمل به انجیل فراخوانده شده‌اند و در آیاتی از قرآن برای اثبات یا توضیح روند ادیان ابراهیمی، به تورات و انجیل که در دسترس اهل کتاب بوده، بارها اشاره شده و حتی پیروان دین یهود و مسیحیان بدان ارجاع داده شده‌اند.

همچنین مطابق تعالیم آسمانی، کتب الهی به هیچ طریقی نباید با یکدیگر تفاوت داشته باشند، زیرا مطالب آن از یک منبع مشترک بهره می‌برند. برای همین مسلمانان بر این عقیده‌اند که علت تفاوت کتاب مقدس با قرآن این است که کتاب مقدس در طول زمان دچار تغییر شده است.

برگرفته از کتاب «اسلام آیین برگزیده»، تالیف: علیرضا مسجد جامعی

۱. به عنوان نمونه، پولس در رساله‌ی خویش به غلاطیان آنان را از پذیرش انجیلی که همخوان با تعالیم وی و همفکران او نیست نهی می‌کند و می‌گوید: «تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، بر می‌گردید به سوی انجیلی دیگر، باز می‌گویم اگر کسی انجیل غیر از آن که پذیرفتید بیاورد، آناتیما (= ملعون) باد.» (غلاطیان، ۱: ۶-۹)

۲. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰، ذیل انجیل

## هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

روش تبلیغی همه پیامبران الهی بر تواضع و فروتنی استوار گشته است؛ زیرا کسی که می‌خواهد پیامی، آن هم پیام پروردگار را به مردم برساند، باید در مقابل مردم در نهایت درجه خضوع و فروتنی باشد. یعنی پرمدهایی نکند، اظهار منیت و خودستایی ننماید، مردم را تحقیر نکند و در نقطه مقابل، با مستکبران و فخر فروشان، برخورد ننماید. چنین رفتاری الهی باعث آن می‌شود که حرف و کلام پیام آوران وحی بر دل و جان مردم نقش ببندد و اثر کند. پیامبر بزرگ الهی، حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز از این قاعده کلی مستثنی نبود و به پیروان خویش نیز می‌آموخت که این گونه باشند.

روزی مسیح علیه السلام به نزد حواریون<sup>۱</sup> رفت و گفت: من خواهش و حاجتی دارم، اگر قول می‌دهید آن را برآورید، بگویم.

حواریین گفتند: ای نبی خدا! هرچه امر کنی، اطاعت می‌کنیم.

عیسی علیه السلام از جای خویش برخاست و سپس به طرف پای آن‌ها خم شد و شروع به شستن پای یکایک آن‌ها نمود. حواریون در خود احساس ناراحتی و خجالت کردند، ولی چون قول داده بودند خواهش عیسی علیه السلام را بپذیرند، تسلیم بودند و آن حضرت نیز پای آن‌ها را می‌شست. همین که کار به پایان رسید، حواریین گفتند: ای پیامبر خدا! تو معلم ما هستی، شایسته این بود که ما پای تو را می‌شستیم نه تو پای ما را!

حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام فرمود: این کار را کردم برای این که به شما یاد دهم که از همه مردم سزاوارتر به این که خدمت مردم را به عهده بگیرد، عالم است. این کار را کردم تا تواضع کرده باشم و شما درس تواضع را فرا گیرید و بعد از من که عهده‌دار تعلیم و ارشاد مردم می‌شوید، راه و روش خود را تواضع و خدمت خلق قرار دهید. اساسا حکمت در بستر تواضع رشد می‌کند نه در بستر تکبر، همان گونه که گیاه در زمین نرم دشت می‌روید نه در زمین سخت کوهستان.

برگرفته از کتاب «داستان راستان»، تالیف: استاد شهید مرتضی مطهری (به همراه اندکی اضافات)

## با که بنشینیم؟

آیا تا به حال فکر کرده‌ای که در زندگی با چه کسانی دوست هستی و با چه کسانی نشست و برخاست می‌کنی و زندگی‌ات چه مقدار تحت تاثیر اعمال و رفتار آن‌هاست؟

حقیقت آن است که بدون دوستی‌ها، هرگز موفقیتی در کار نخواهد بود. دوستان، گنج‌ها و معادنی هستند که باید آن‌ها را کاوش کرد و به منظور کشف آن‌ها، متحمل رنج و زحمت شد تا سنگ و گوهر را با هم در نیامیزیم و این دو را از هم بازشناسیم.

دوستی مساله انتخاب و گزینش است. نباید دوستان را به طور تصادفی برگزید. از این رو انسان باید پیش از آن که اتفاقات و تصادف‌ها، بر اساس معیارهای نادرست دوستانی را برایش انتخاب کنند، خود بر اساس معیارهای درست، دوستانش را برگزیند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «انسان بر دین دوست خویش است. پس بنگرید که با چه کسی دوستی می‌ورزید.»<sup>۱</sup>

این موضوعات باعث می‌شود که بعضی افراد برای خود دوستی برگزینند و گوشه‌تنبهایی اختیار کنند و بعضی دیگر معاشرت با افراد را سرگرمی تلقی کنند و بدون حساب و کتاب و بی آن‌که میان دوستانشان هدف مشترکی باشد، به انتخاب دوست بپردازند. اگر خوب فکر کنیم، در می‌یابیم که هر دو روش خطاست! نه درست است که انسان بی حساب و کتاب دوست برگزیند و نه رواست که تنها و بریده از مردم به سر برد. پس چه باید کرد؟ چه معیاری برای دوستی و معاشرت باید داشته باشیم...؟

در زمان پیامبر خدا حضرت عیسی علیه السلام این سوال برای عده‌ای پیش آمد. تا آنجا که خدمت آن حضرت رفتند و پرسیدند: «ای روح الله! ما با چه کسانی نشست و برخاست کنیم؟» حضرت عیسی علیه السلام پاسخ داد: «با کسی مجالست کنید که دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد و سخنش بر علم شما بیفزاید و عملش شما را به آخرت تشویق کند...»<sup>۲</sup>

مسئله ارادت و شیفتگی و دوستی با یک شخص معین، بالاترین و بزرگترین عامل در تغییر دادن انسان است و این انتخاب اگر صحیح باشد، باعث هدایت انسان می‌شود و اگر نابجا باشد، آتشی است که آدمی را نابود خواهد کرد. اگر خوب به اطرافمان نگاه کنیم افرادی را خواهیم دید که دیدن آنها انسان را از خدا غافل می‌کند و در مقابل، عده‌ای دیگر عملشان، کردارشان، رفتارشان، وضعشان، سیمایشان و خصوصیتشان به گونه‌ای است که انسان را از غفلت خارج می‌کند. گروه دوم افرادی هستند که همنشینی با آنها خدا را به یاد انسان می‌آورد و سخنانشان حقایق تازه‌ای در بر دارد و اعمالشان انسان را به کار خیر تشویق و ترغیب می‌کند. چه نیکوست که در طلیعه میلاد پیامبر بزرگ خدا، عیسی مسیح علیه السلام سخن او را آویزه گوش سازیم و بیاندیشیم که در زندگی با چه کسانی دوست هستیم و با چه کسانی نشست و برخاست می‌کنیم و زندگی‌مان چه مقدار تحت تاثیر اعمال و رفتار آن‌هاست؟

برگرفته از کتاب «دوستی و دوستان»، تالیف: حجت الاسلام سید هادی مدرسی (به همراه اضافات)

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «المرء علی دین خلیله فلینظر أحدکم من ینخالل» (امالی شیخ طوسی، صفحه ۵۱۸- مستدرک الوسائل، جلد ۸، صفحه ۳۲۷)

۲. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «قالت الحواریون لعیسی یا روح الله! من نجالس؟ قال: من یدکرکم الله رویته و یزید فی علمکم منطقه و یرغبکم فی الآخرة عمله» (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۳۹)

## موعودی از میان رهاندگان

از دیرباز در میان یهودیان کسانی در این آرزو بودند که قوم بنی اسرائیل استقلال سیاسی خود را باز یابد. لذا تورات که مسیحیان آن را «عهد عتیق» می‌نامند، از تاریخ قوم یهود و انتظار دور و دراز آنان برای آمدن مسیح موعود حکایت می‌کند.

این «رهانده» که همه از دیر زمان در آرزوی آمدنش بودند، «مسیح» یا «مسیحا» نامیده می‌شد؛ یعنی «برگزیده‌ی خدا».

مسیح در زبان عبری «ماشیح» است و آن استعاره از پادشاه است. در قوم بنی اسرائیل، روغن مقدس همانند تاج بر سر نهادن و شمشیر بر کمر بستن، از تشریفات پادشاهی بود. لذا هنگامی که کسی را در بنی اسرائیل به سلطنت بر می‌گزیدند، کاهن او را به روغن مقدس مسح می‌کرد. از این رو در بنی اسرائیل هر پادشاه و بزرگی را مسیح می‌گفتند. سر انجام پس از سال‌ها انتظار، خداوند مریم را بر جهانیان برگزید و فرزندی به نام عیسی علیه السلام به او عطا کرد، که به پیامبری برگزیده شد. عیسی علیه السلام با معجزاتش نشان داد که رسولی برای رستگاری بشر است. بر خلاف دیدی که یهودیان داشتند، بی شک مسیحیت یک دین است، چرا که داعیه دارد که آدمی را به خداوند پیوند می‌دهد.

گفتنی است که همگی پیامبران، نبوت انبیای پیش از خود را تصدیق می‌کردند، لیکن پاره‌ای از آن‌ها ناسخ دین پیامبر پیش از خود بوده‌اند. اما مسیح علیه السلام ناسخ تورات نبود، بلکه آن را قبول داشت و آن را تصدیق کرد. وی در حقیقت اصلاح‌کننده و تغییر دهنده‌ی برخی از احکام دین حضرت موسی علیه السلام بود. به عنوان مثال او برخی از چیزهای پاکیزه را که به مقتضای عصر حضرت موسی علیه السلام بر بنی اسرائیل حرام شده بود، برای آنان حلال کرد. بر این اساس است که مسیحیان منکر نبوت حضرت موسی علیه السلام نیستند و به کتاب مقدس یهود نیز احترام می‌گذارند.

اما یهودیان درباره مسیحیت این‌گونه نمی‌اندیشند. زیرا در هنگام تولد مسیح، یهودیان تهمت‌های فراوانی به مریم وارد ساختند. آنان بهتان‌ها و نسبت‌های ناروایی درباره‌ی او رواج دادند که گویی او زنی آلوده دامن است!

اما در این راستا، نگاه مسیحیان به عیسی علیه السلام، نگاه خاصی است. شخص عیسی مسیح که بنیانگذار مسیحیت است، به انگار مسیحیان خدایی است که اراده کرده تا مانند یک انسان در روی زمین و در میان انسانها زندگی کند.<sup>۱</sup> در این میان، قرآن کریم با دیدگاه متفاوتی به موضوع می‌نگرد. قرآن اتهام زشت یهودیان به حضرت مریم را «بهتانی عظیم» قلمداد می‌کند و سخت به نکوهش یهودیان می‌پردازد و می‌فرماید: «به سبب کفر ایشان و آن تهمت بزرگ که به مریم زدند، آنان را به عقوبت گرفتار می‌کنیم».<sup>۲</sup>

اما واقعیت دیگری نیز در قرآن آمده است و آن، اشارتهایی است که نشان می‌دهد عیسی علیه السلام خود را بنده‌ی خداوند می‌دانست و بر نفی الوهیت خویش پای می‌فشرد و مردم را از پرستش خود باز می‌داشت و به عبادت خداوند ترغیب می‌کرد:

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به «اعتقادنامه‌ی نیقیه» نوشته شده در سال ۳۲۵ میلادی

۲. و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتانا عظیما (سوره نساء، آیه ۱۵۶)

\* «گفت من بنده‌ی خداوند هستم»<sup>۱</sup>

\* «در حقیقت خداوند پروردگار من و شماست، پس او را بپرستید.»<sup>۲</sup>

\* «به آنان چیزی جز آن‌چه به من فرمان داده‌ای نگفتم‌ام که خداوند را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید و تا هنگامی که در میان آنان بودم بر آنان گواه بودم و چون روح مرا گرفتی تو خود نگهبان آنان بودی و تو بر همه چیز شاهدی.»<sup>۳</sup>

از این آیات چنین بر می‌آید که چه بسا زمزمه الوهیت مسیح در زمان رسالت خود او نیز شنیده شده و عیسی علیه السلام خود به مقابله با آن پرداخته است.

در راستای محتوای قرآن کریم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نگاه اسلام را به دیدگاه مسیحیت و یهودیان، این‌گونه توصیف می‌کنند: «درباره‌ی مسیح علیه السلام دو گروه هلاک شدند: گروه اول یهود که او را دشمن گرفتند تا جایی که به او بهتان زدند و گروه دوم نصارا که آنقدر به او دوستی ورزیدند که او را خدا قرار دادند.»<sup>۴</sup>

در پایان آن‌چه مهم است، این است که ما انسان‌ها برای رسیدن به جامعه‌ای مترقی و پیشرفته می‌بایست به حقوق هم احترام بگذاریم.<sup>۵</sup> اما زندگی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان الهی و حتی مکاتب مختلف بشری نباید مانع از بررسی عمیق و موشکافانه‌ی اعتقادات و افکار مختلف شود. لذاست که باید برای یافتن جواب پرسش‌های خود، به مطالعه و تحقیق پیرامون این‌گونه باورها پردازیم و یقیناً یاری حقیقت جویان راستین، وعده قطعی خدا است.

برگرفته از کتاب «اسلام آیین برگزیده»، تالیف: علیرضا مسجد جامعی

۱. قال إنی عبدالله آنانی الكتاب و جعلنی نبیا (سوره مریم، آیه ۳۰)

۲. إن الله هو ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم (سوره زخرف، آیه ۶۴)

۳. ما قلت لهم إلا ما أمرتني به أن اعبدوا الله ربی و ربکم و کنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني کنت أنت الرقیب عليهم و أنت علی کل شیء شهيد (سوره مائده، آیه ۱۱۷)

۴. بحار الانوار، جلد ۳۵، صفحه ۳۲۲

۵. البته برخی از ادیان در این زمینه خود پیش قدم می‌شوند و به خصوص در میان آن‌ها اسلام و تشیع، شدیداً مدافع و حامی حقوق انسان‌ها هستند و تعالیم خاصی را در این زمینه به پیروان خویش ارائه می‌دهند.

## فرازی از عظمت مسیح در قرآن کریم

قرآن مجید بیش از بیست صفت از اوصاف بر جسته ولایت و اوصاف اولیای خدا برای عیسی علیه السلام برشمرده است که راه نیل به آنها طهارت روح است. کسی که راه طهارت را طی کرده است می‌تواند از این اوصاف برخوردار باشد. درباره تطهیر حضرت مسیح می‌فرماید:

«(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را بر می‌گیرم و به سوی خود؛ بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند؛ پاک می‌سازم و کسانی را که از تو پیروی کردند تا روز رستاخیز برتر از کسانی که کافر شدند قرار می‌دهم سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما در آنچه اختلاف داشتید داوری می‌کنم.»

قرآن کریم پیامبران الهی عموماً حضرت مسیح علیه السلام را مخصوصاً به عنوان شاهد بر اعمال امت‌هایشان ذکر می‌کند و در سوره مبارکه نساء، در خصوص شهادت حضرت مسیح این گونه بیان می‌نماید: «و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر این که پیش از مرگش به او (حضرت مسیح) ایمان می‌آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود.»

قرآن برخی پیامبران مانند مسیح علیه السلام را از مقربان می‌داند و بشارتی که فرشتگان به مریم دادند این بود که خدای سبحان به تو فرزندی به نام مسیح می‌دهد که از مقربان است. «(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم، خداوند تو را به وجود با عظمتی از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش مسیح؛ عیسی بن مریم است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر صاحب شخصیت خواهد بود؛ و از مقربان الهی است.»

مقرب در فرهنگ قرآن کریم از برجسته ترین اوصافی است که نصیب مؤمنان پیشگام می‌شود. مقربان از ابرار و اصحاب یمین برترند. قرآن کریم گاهی مردم را به فجار، ابرار و مقربان تقسیم می‌کند و گاه به اصحاب شمال، اصحاب یمین و مقربان. در هر دو تقسیم، عیسای مسیح علیه السلام از مقربان است که از آنها به عظمت یاد می‌شود. «پس اگر او از مقربان باشد، در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است!» ظاهر این آیه اینست که اینها خود روح و ریحان و بهشتند.

خدای سبحان عیسی بن مریم علیه السلام را انسانی پر برکت معرفی کرده؛ می‌فرماید: نقصی در حرم امن زندگی این انسان کامل نیست و وی در همه ادوار از سلامت برخوردار است. انسان کامل از گزند حوادث چنان مصون است که هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند به سعادت او آسیبی برساند و چنان نسبت به دیگران خیرخواه است که از او آسیبی به کسی نمی‌رسد. قرآن کریم این دو صفت ممتاز و برجسته را از زبان عیسای مسیح علیه السلام درباره خود او بیان کرده و می‌فرماید: وی بنده خداست که از کتاب الهی و نبوت برخوردار است. و موجود پر برکتی است که دایم با نماز و زکات در ارتباط است. نسبت به مادرش رؤوف و مهربان است. نسبت به کسی جبار و شقی نیست. درود بر عیسای مسیح روزی که وارد عالم طبیعت شد و روزی که به عالم برزخ می‌رود و روزی که از برزخ وارد قیامت کبرا می‌شود.

از جمله اوصاف دیگری که خداوند در قرآن از زبان مسیح علیه السلام برای او ذکر می‌کند، عبودیت و بندگی او در برابر پروردگار است: «گفت: من بنده خدایم، او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است!» عبودیت پیوندی است بین انسان و خدای او و انسان به هر کمالی برسد، بر اثر این پیوند است. زیرا بر اثر پیوند با کمال نامحدود، انسان کامل می‌شود. قرآن کریم که علوم و معارفی را نصیب حضرت مسیح علیه السلام می‌داند، طلوعه و سرآغاز این تکامل را عبودیت او برمی‌شمارد.

خدای سبحان حضرت مسیح علیه السلام را از سالکان صراط مستقیم و از اصلان این حرم امن که صراط انبیا و مرسلین است قرار داد و او از چهره‌هایی برجسته است که این راه را طی کرده است و خدای سبحان قرب او را تایید نموده است... که نامش مسیح؛ عیسی بن مریم است.

برگرفته از بخش مناسبت‌های سایت رشد

www.aftabemehr.ir